

Investigating the role of the Islamic Revolution in securing and guaranteeing civil rights in Iran

Reza Khosravi Esfezar*

Received: 2017/09/28

Accepted: 2018/01/04

Citizenship is an inherent and natural human right. Throughout history, they have been of special interest to scientists around the world. Legal rules in society without the guarantee of implementation, lose their intended function and will not be respected by the people of that country. After the Islamic Revolution of Iran and the drafting of the Constitution, civil rights in Iran were redefined religiously and socially. It should also be said that various principles of the constitution have been considered in the defense and protection of civil rights. In today's world, respect for the privacy of public rights in various fields as a social phenomenon is one of the necessities of life of the people of that society. Citizens generally work in different communities with different tastes and motivations. Therefore, social life requires the existence of legal relations between individuals and different groups of society, which must be subject to legal rules and regulations. It will cause chaos and disorder in the society. Therefore, in recent centuries, governments have adopted a special policy to regulate the implementation of these rules in the relations between the people of the society by determining and formulating the relevant rules and regulations in order to guarantee the sanction of civil rights.

Keywords: Citizenship rights, Islamic revolution, constitution, sanction, public rights.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* MSc Student of Public law at Semnan University, Semnan, Iran.

rezakhosraviesfezar@gmail.com

بررسی نقش انقلاب اسلامی در تأمین و تضمین حقوق شهروندی در ایران

رضا خسروی اسفزار*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

چکیده

حقوق شهروندی، از حقوق ذاتی و طبیعی بشریت است که در طول تاریخ بین دانشمندان کشورهای مختلف جهان مورد توجه خاص بوده است. قواعد حقوقی در جامعه بدون ضمانت اجرا، کارکرد موردنظر خود را از دست می‌دهد و نزد مردم آن کشور از جایگاه احترام برخوردار نخواهد بود. پس از انقلاب اسلامی ایران و تدوین قانون اساسی، حقوق شهروندی در ایران بازتعریفی دینی و اجتماعی پیدا کرد. همچنین باید گفت که اصول مختلفی از قانون اساسی در دفاع و صیانت از حقوق شهروندی به آن توجه شده است در جهان امروزی رعایت حریم حقوق عامه در عرصه‌های مختلف به عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی مردم آن جامعه محسوب می‌شود. شهروندان عموماً با سلايق و انگیزه‌های مختلفی در جامعه مشغول کار هستند. از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد که باید تحت نظم و قاعده‌های قانونی درآید، در صورت عدم وجود نظم و ضوابط قانونمند در جامعه، زور، اجحاف، تزویر بر مردم حاکم شده و سبب ایجاد هرج و مرج و بی‌نظمی و نابسامانی در جامعه خواهد شد. فلذا، حکومت‌ها در سده‌های اخیر با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، در جهت ضمانت اجرایی حقوق شهروندی، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این مقررات در روابط بین مردم جامعه در پیش گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، انقلاب اسلامی، قانون اساسی، ضمانت اجرا، حقوق عامه.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

مقدمه

رشد و توسعه پیشرفت جوامع بشری در سایه تلاش‌ها و فعالیت‌های طولانی‌مدت منجر به برپایی کانون‌های انسانی شده است که از آن به عنوان جامعه شهری یاد می‌شود. واژه شهروندی معمولاً همراه با واژه دولت مطرح گردید و ظهور آن را می‌توان مصادف با پیدایش نخستین دولت‌های ملی دانست، که در هر جامعه‌ای به ضرورت حکومتی وجود دارد.

حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود (بشریه، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۶). واژه شهروند از حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان به کار رفته و دارای دو درجه بوده، یکی شهروند درجه یک که به ساکنان اصلی یونان و شهروند درجه دو به بزرگان و دیگر افرادی که یونانی نبوده‌اند اما ساکن یونان بوده‌اند اطلاق می‌شد. تعریف شهروندی از دولت‌شهرهای یونان باستان ارتباط فرد به هر دولت‌شهر بوده است. شهروندان دولت‌شهرهای یونان خود را بافضیلت‌ترین انسان‌ها نسبت به سایر اقوام می‌دانستند و ملت‌های دیگر را وحشی خطاب می‌کردند؛ ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به آنها از ادعای برتری خود عقب‌نشینی کردند و حقوق دیگران را به رسمیت شناختند. مفهوم شهروندی در یونان باستان به معنی داشتن حقوق و تکالیف یکسان نزد قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه وجود داشت. حقوق شهروندان اساس تفکر متفکران دوران رنسانس را تشکیل داد و در نظر آنان انسانیت فرد تنها به عنوان شهروند برخوردار از حقوق خود در جامعه آزاد تحقق می‌یابد (بشریه، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۶). ریشه‌های تاریخی حقوق شهروند در ایران، به اعتقاد بسیاری از مورخین و محققین، نخستین و قدیمی‌ترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر، فرمان کورش کبیر پس از فتح بابل است (شیروانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶). در اسنادی که از تخت جمشید به دست آمده عباراتی مشاهده می‌شود که خواندن و بازخواندن آن غرور انسانی در ما ایجاد می‌کند در ساختن تخت جمشید هیچ‌کس به بیگاری گرفته نشده و از اسنادی که به دست آمده نشان‌دهنده پرداخت حقوق کارگران بوده است و همچنین حقوق و مزایای اشخاص از هر ملیتی را نشان می‌دهد. سازوکار حکومت پارس مبتنی بر اراده پادشاهان بود و پارسیان به این فخر می‌کردند که قوانین پادشاه

تغییرناپذیر است و نباید ترک شود و تصمیمات شاه در نظر عوام همچون وحی اهورامزدا نازل می‌شود. به این ترتیب قوانین مشیت الهی داشتند و سرپیچی از آن، سرپیچی از فرمان پروردگار بود. قوه قضائیه عالی‌تره در اختیار پادشاه بود و محاکم از نظم و انضباط خاصی برخوردار بودند. محاکم همان‌طور که برای جرائم، کیفر و جزای نقدی تعیین می‌کردند کارهای نیک و احسان آن شخص را در نظر می‌گرفتند و به او پاداش می‌دادند و زمانی برای رسیدگی مشخص بود که باید حکم در ظرف این مدت صادر شود و به مرور زمان سوابق قضائی زیاد شد و گروهی را به عنوان سخن‌گویان قانون تشکیل دادند که مردم از آنها در دعوایشان مشورت می‌گرفتند و رشوه گرفتن در آن زمان یکی از جنایات‌های بزرگ به شمار می‌آمد و زنان از منزلت عالی برخوردار بودند (دورانت، ۱۳۶۵، ص. ۴۳۳).

در قرن ششم قبل از میلاد، کوروش فرمانروای هخامنشیان و بنیان‌گذار امپراتوری ایران منشوری را تنظیم کرد که در آن آزادی مذاهب و آزادی ملل بیگانه مورد توجه قرار گرفته بود. طبق این منشور کوروش با احترام به اعتقادات مردم و خوش رفتاری، به آنان امنیت اعطا نمود و نیازمندی‌های بابل و همه پرستشگاه‌های آنان را در نظر گرفته و در بهبود وضع آنان کوشیده است.

کوروش در این منشور اعلام می‌دارد که لشکر بزرگ به آرامی وارد بابل شود و به کسی صدمه‌ای وارد نکند؛ کوروش می‌گوید من برای صلح کوشیدم و برده‌داری را برانداختیم. مردم را در پرستش خدای خود آزاد گذاشتم و قوم یهود را رهایی بخشیدیم. زیبایی معماری باستانی تخت جمشید که روی ستون بزرگی کتیبه ذیل‌الذکر داریوش امپراتور ایران حک شده است می‌گوید: من اینچنینم که دوستدار حقیقت و راستی هستم، من دوستدار خطا و نادرستی نیستم، اینکه نسبت به انسان ضعیف به وسیله انسان توانمند بی‌عدالتی صورت گیرد مطلوب من نیست و در عین حال مطلوب نیست که به انسان توانمند توسط انسان ضعیف بی‌عدالتی شود آنچه حق است مطلوب من است (ممتاز، ۱۳۷۰، ص. ۸۹).

پس از ظهور اسلام حقوق شهروندی معنای دیگر یافت و مفهوم شهروند از واژه سیاسی به عقیدتی تغییر یافت که هر کس مسلمان است به صرف نظر از اینکه در کجای جهان اسلام سکونت دارد شهروند تلقی می‌شود و از حقوقی که سایر مسلمانان دارا

می‌باشند بهره‌مند می‌شود. مردم ایران به تدریج پذیرای دین جدید شدند و لذا نوعی دوگانگی در حقوق مردم پس از ظهور اسلام در ایران به وجود آمد؛ برخی از مردم ایران که دین جدید پذیرفتند از حقوقی برخوردار شدند و برخی دیگر که پذیرای این عقیده نو نشدند از این حقوق محروم ماندند؛ در نهایت اکثریت مردم ایران پذیرای دین جدید شدند و با استقبال کشور ایران از امپراتوری اسلامی واژه شهروند در جای خود مورد استفاده قرار گرفت.

به همین دلیل درباره رعایت حقوق شهروندی در زمان ناصرالدین شاه برای اینکه حقوق دیگران (شهروندان) توسط حاکمان و نمایندگان حاکمان نقض نشود فرمان مهمی صادر شد (عبدالمقصود، ۱۳۶۲، ص. ۳۰۴).

ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می‌شد. در فرهنگ‌های دوزبانه مثل فرهنگ حییم و آریان‌پور کلمه شهروند به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد تعریف شده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی کلمه شهروند را این‌چنین تعریف کرده است: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (عمید، ۱۳۶۳). اما شهروندی در لغت، تبعه یک کشور بودن با احتساب حقوق و وظایفی که برعهده دارد، حالت یک تبعه با حقوق و وظایف، شهرنشینی و شهرگری را گویند. در دانش‌نامه سیاسی شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سوی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی را دارد، این رابطه را شهروندی گویند. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است. از این رو می‌توان کلمه شهروند را به تبعه ترجمه کرد اگرچه واژه شهروند و تبعه بیانگر مفهومی واحد یعنی عضو یک کشور بودن هستند، ولی معمولاً واژه تابعیت جنبه خارجی و بین‌المللی و شهروند جنبه داخلی و ملی آن عضویت را در نظر دارد. امروزه شهروندی با تابعیت قرین شده است (کامیار، ۱۳۸۲، ص. ۶۲). تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (آذرداد، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). قانون مدنی ایران طی مواد ۶۷۹ تا ۱۹۹ مقررات مربوط به تحمیل تابعیت و تحصیل آن را بیان کرده است و اشخاصی که تابعیت ایرانی کسب می‌کنند؛ شهروند ایرانی محسوب می‌شوند. بنابراین

موقعیت شهروند بودن را قانون معین می‌کند و شهروند کسی است که به واسطه تولید یا اعطای قانون شهروندی به عضویت یک کشور و جامعه سیاسی است و دارای علقه وفاداری به آن جامعه سیاسی هست و مستحق برخورداری از تمام حقوق مدنی و حمایت‌های قانونی هست.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به بررسی نقش انقلاب اسلامی در توسعه و ترویج حقوق شهروندی در جامعه پرداخته شده و به سؤالات نیز پاسخ داده شده است.:

۱- برای ترویج حقوق شهروندی در قانون اساسی چه ظرفیت‌های پیش‌بینی شده است؟

۲- دیدگاه شخصیت‌های بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی ایران همچون امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و سایر این شخصیت‌های نسبت به حقوق شهروندی در جامعه چه بوده است؟

۳- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه ضمانت‌های اجرایی برای حقوق شهروندی و چه راهکارهای برای نقض از این حقوق پیش‌بینی شده است؟

۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله مبتنی بر تحلیل و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد مکتوب است. در واقع، روش پژوهش، کیفی است. از این‌رو، نگارنده با استفاده از اطلاعات مندرج در متون و منابع کتابخانه‌ای به بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در ایجاد و توسعه حقوق شهروندی در جامعه و همچنین ضمانت‌های اجرایی لازم برای اجرا این حقوق عامه در کشور پرداخته است.

۳. مفهوم حقوق شهروندی

شهروند مرکب از دو کلمه شهر به معنای جامعه انسانی و کلمه وند به معنای عضو وابسته به این جامعه است. صرف جمع شدن افراد در مکانی خاص و تشکیل اجتماع انسانی و شهر، شهروند به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر، اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می‌شود، ولی شرط کافی نیست، افراد زمانی لقب شهروند به خود

می‌گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند. در این صورت، شهر تشکیل شده و شهروند معنا و مفهوم پیدا می‌کند (علیدوستی، ۱۳۸۸، ص. ۴۹). همچنین در تعریفی دیگر، شهروندی رابطه بین فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت بازنمایی می‌کند، شهروندی هر دو عنصر فردگرایانه را در خود دارد، بدین ترتیب که شهروندی از یک طرف با اعطای حقوق، فضای الزام را به فرد می‌دهد تا فارغ از هر گونه رقابت، منافع خود را دنبال نماید و همچنین فرد را قادر می‌سازد تا دستی در شکل دادن نهادهای حکومتی عمومی داشته باشد (فالکس، ۱۳۸۱، ص. ۱۵). شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت، ملت یا حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد (ترکمان و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۱۱). شهروندی سیاسی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود؛ به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند، کسی شهروند شمرده می‌شود که چگونگی آن را قانون اساسی کشور معین می‌کند. اساساً تنها فرمان‌گذار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و حقوق طبیعی نیز برخوردار باشد، دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت می‌کند (آشوری، ۱۳۷۷: ۲۲۲).

به طور کلی در تمام تعریف‌هایی که از شهروندی شده است مفهوم عضویت در اجتماع، برخورداری از حقوق برابر و عهده‌دار کیفیت و کمیت مشارکت فرد در جامعه که بودن وظایف عام یا مشارکت حضور دارند، مسلماً همان تکالیف او در قبال جامعه است، به میزان بالایی تحت تأثیر کیفیت و کمیت حقوق و میزان برخورداری او از این حقوق قرار دارد (نوروزی و گل‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۰). مارشال شهروندی را دربردارنده سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند. حقوق مدنی که عبارتند از: حفظ آزادی‌های سیاسی فردی، شامل آزادی‌های شخصی، آزادی بیان، اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قرارداد معتبر و حق برخورداری از عدالت است. حقوق سیاسی که دربردارنده حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از نهادهای برخوردار از اقتدار سیاسی می‌باشد و به عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی در قرن بیستم با گسترش حق رأی عمومی برای همه افراد بالغ، به حقوق شهروندی تبدیل شد. همچنین وی معتقد بود که حقوق

اجتماعی افراد در قرن بیستم با گسترش دولت رفاه همراه گشته است (نش، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۳).

شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساساً کسی شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گذار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولاً تابع دو نسخه است یکی زادگاه و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن یا مرد شهروند آن کشور نیز بدست می‌آید. اما این‌گونه شهروندان معمولاً همه حقوق شهروندی از جمله کسب مشاغل دولتی را با خود می‌آورد (راسخ، ۱۳۸۲، ص. ۲۷).

۴. مبانی حقوق شهروندی

حقوق شهروندی هدیه الهی و جزو حقوق ذاتی و حقوق فطری انسان‌هاست و از صفات انسانی محسوب می‌شود. برای بررسی مطالعه دقیق و همه‌جانبه حقوق شهروندی مستلزم شناخت مبانی این شاخه مهم حقوق هستیم، چرا که شناسایی دقیق این شاخه را به خوبی می‌رساند که شکل‌گیری حقوق شهروندی دارای زمینه‌های متعددی است، از این‌رو سعی شده تا هر یک از این مبانی به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱. مبانی حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام

در متون دینی ما بهترین تعبیر معادل با شهروندی، رعیت است و در مقابل از حاکم و مسئولین به عنوان راعی یاد شده است و در اندیشه اسلامی بین این دو همواره رابطه‌ای دوسویه و متقابل برقرار بوده است. رعایا (شهروندان) هم‌زمان دارای حقوق و تکالیفی متناسب بودند، این حقوق و تکالیف لازم و ملزوم یکدیگر بودند و هیچ‌یک بدون دیگری در نظر گرفته نمی‌شد.

به عبارت دیگر در مکتب اسلام حق بدون تکلیف و مکلف بدون حق یافت نمی‌شود هر انسانی که حقی دارد به اعتبار دیگری نیز مکلف است و تنها

آفریدگار جهان است که محق محض است و در برابر دیگران تکلیف ندارد (قراملکی، ۱۳۸۱، ص. ۱۴).

بر این اساس در نظام حقوقی اسلام، شهروندی، موقعیتی است که عرب و عجم به طور یکسان در مقابل حاکم خود دارند و در عین اینکه دارای حقوقی هستند ملزم به انجام وظایفی نیز می‌باشند. در این نظام مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست بلکه هر شهروندی همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شود و به معنای امروزی از حقوق شهروندی برخوردار است. امت مسلمان به همراه غیرمسلمان در مدینه‌النبی، در عین حفظ استقلال جامعه دینی خود جامعه سیاسی واحدی را به وجود آوردند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز وحدت انسانی را جایگزین وحدت قومی و قبیله‌ای نمود (پروین، ۱۳۸۷، ص. ۱۶). آموزه‌های قرآنی به عنوان مهم‌ترین خاستگاه حقوق شهروندی با تأکید بر برابری و برادری همه افراد از هر نژاد و رنگ، هر گونه امتیازبندی و تفاوت‌گذاری براساس ویژگی‌های مادی و ظاهری را مردود اعلام نموده (نساء، آیه ۱) و تنها معیار برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی می‌کند (حجرات، آیه ۱۳). از اصول مهم آموزه‌های دین اسلام اهمیت حفظ و رعایت حقوق الناس است آنچنان که در این آموزه‌ها آمده حق الهی قابل بخشایش است و لیکن حق الناس تنها با رضایت فرد متضرر قابل بخشش و گذشت است. دین اسلام، بی‌عدالتی‌های آشکاری را که در حق زنان اعمال می‌شد از میان برد و اهتمام ویژه‌ای به حقوق زنان دارد (نساء، آیه ۱۹).

در این دیدگاه، نه تنها خداوند متعال خالق جهان هستی است بلکه همو به تنهایی و بی‌هیچ شریکی جهان را تدبیر می‌کند و نیز قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را از آن جهت که علم مطلق است و ذی‌نفع نیست وضع می‌کند و انسان، مکلف است که فقط از دستورات و قوانین او که خدشه‌ناپذیر نیست اطاعت کند، بنابراین قواعد حقوقی اسلام همه به جعل و اعتبار الهی، دارای حجیت و مشروعیت هستند (احمدزاده، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۶). لذا اساسی‌ترین مفهوم در جهان‌بینی اسلامی، که زیربنای تمام اصول و فروع آن است، خدامحوری و توحید است. براساس این اصل کلی، نظام هستی منشعب از وجود هستی محض و یکتای الهی است که ضرورت

وجود او از ناحیه خودش می‌باشد (حقیقت و میرموسوی، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۶). جهان‌بینی توحیدی در بخش فلسفه حقوق دارای نظام خاصی است. بر پایه این نظام فکری خداوند هست محض است و هست محض هر کمالی را دارا و از هر نقصی مبرا است؛ از این‌رو همه موجودات جهان که هر یک دارای درجه‌ای از نقصانند به سرپرستی آن هست محض وانهاده می‌شوند لذا مکتب توحیدی به عنوان پایگاه فکری همه مسائل از جمله حقوق قرار می‌گیرد و همه دیدگاه‌ها، شناخت‌ها و قانون‌گذاری‌ها باید بر پایه آن استوار گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص. ۱۱۱).

بنابراین همه حقوق اعم از حقوق طبیعی، فطری، قراردادی، اخلاقی و... تابع حق خدای متعال است و در سایه حق خداوند معنا می‌یابد و در نظام حقوقی اسلام زمانی قاعده حقوقی مشروع و معتبر خواهد بود که منطبق با اراده الهی باشد و امورات دیگر از قبیل عقل، وجدان، فطرت و مصلحت و... فقط می‌تواند ما را به مبنای حقیقی حقوق اسلامی برساند که معتبر عنوان کاشف و دلیلی است (منصوری، ۱۳۸۰، ص. ۹۲).

۴-۲. مبانی حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)

با جرئت می‌توان گفت که نخستین پیام شهروندی پس از انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بود که در بیست و چهارم آذرماه ۱۳۶۱ صادر شد. این فرمان که ۳۸ سال پیش خطاب به قوه قضائیه و همه ارگان‌های اجرایی صادر شده است، تأکیدی قاطع بر اصول قانون اساسی و حفظ و رعایت حقوق شهروندی است. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در واکنش به گزارش‌هایی که در این موضوع به ایشان رسید، طی فرمانی که به «فرمان ۸ ماده‌ای» مشهور شد، نکاتی را به قوه قضائیه و همه ارگان‌های اجرایی متذکر شدند. ایشان در ابتدای این فرمان فرموده‌اند: «در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی به ویژه دستگاه‌های قضائی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده می‌شود. امید است ان‌شاءالله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند».

موضوع حقوق شهروندی در ایران تنها به این دو فرمان ختم نمی‌شوند. بخشی از دیدگاه‌ها و سخنان امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در باب لزوم حفظ حقوق شهروندان به

اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. همه در برابر قانون یکسان‌اند در اسلام برای مجازات مجرمین فرقی بین گروه‌ها نیست و همه در برابر قانون برابر هستند (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص. ۲۵۳).

همه در پیشگاه قضاوت اسلامی مساوی بوده و نیز به همان اندازه که اغماض از مجرمین گناه بزرگی است، تعرض نسبت به بیگناهان از گناهان نابخشودنی است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص. ۴۶).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در باره رأفت اسلام حتی در برخورد با مجرمین می‌فرماید: حتی آن کس که مستحق حدود الهی است از قتل و دیگر جزاها، باید از عطفوت مأموران تا پای دار و محل مجازات برخوردار باشد (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۸، ص. ۲۳۷).

ایشان درباره قانونی بودن جرم و مجازات می‌فرمایند: «باید این‌طور باشد که کسی که بی‌گناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند، حق نیست به اینکه با آنها معامله غیرانسانی بشود. مستحق اعدامند، اعدام باید بکنند. اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند بدانند که مسئول هستند (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۶، ص. ۲۵۳).

«مبنای مجازات در اسلام، حفظ حقوق بشر است آن شاعری که راضی نیست به یک بشر، به یک بشر که هیچ به یک حیوان ظلم بشود، امر می‌کند باید این جرم را کرده است، این حد را بخورد. این برای این است که مصلحت بشر را دارد ملاحظه می‌کند، برای حفظ حقوق بشر است. حدود الهی برای حفظ حقوق بشر است. بشر هم حق حیات دارند. اگر نکشند آن آدم جانی را و آن آدمی که آدم کشته است، آدم‌کشی زیاد می‌شود... حق بشر را اسلام دارد رعایت می‌کند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۶، صص. ۱۷۶-۱۷۷).

از منظر امام خمینی شرط تشکیل اجتماع مترقی و متمدن، رعایت و اجرای حقوق شهروندی افراد است. تا زمانی که نیازهای اساسی و اولیه بشر مورد حمایت قرار نگیرند بشر نمی‌تواند به تعالی بیانیدشد.

ایشان بر این عقیده بودند که حقوق شهروندی هدیه‌ای از جانب پروردگار یکتاست به افرادی که در دل کنند و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا اجتماع و تحت لوای حکومت واحدی زندگی، مقامات رسمی و... نمی‌تواند افراد را از این حق طبیعی خود محروم سازد و تفاوت در نوع نژاد، جنس، زبان، دین، اندیشه و... تأثیری

در کیفیت و کمیت این حقوق ندارد و همه افراد علی‌رغم تمام تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی آنها از این حقوق برخوردارند.

۳-۴. مبانی حقوق شهروندی از دیدگاه قانون اساسی

براساس یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل سه‌گونه: حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است که هر کدام شامل یک سری از حقوق هست. الف) حقوق مدنی، که در حقوق ایران با عنوان حقوق راجع به شخصیت نیز شناخته می‌شود، حقوق مربوط به حفظ ذات و عرض انسانی است. در یک اصطلاح دیگر به آن حقوق عمومی هم می‌گویند، زیرا پیش از هر چیز اعمال این حقوق به ظرفیت دولت و نمایندگان دولت است تا افراد عادی.

حقوق مدنی خود شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود.

حقوق مربوط به آزادی شامل این موارد است:

۱- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد.

۲- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش.

۳- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان پیوندی.

۴- آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی.

حقوق مربوط به مساوات شامل مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه‌ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی است. مانند اصل ۱۹ قانون اساسی در برخورداری از حقوق مساوی.

ب) حقوق سیاسی گونه دوم حقوق شهروندی است. حقوق سیاسی حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق می‌تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهم‌ترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت.

ج) حقوق اجتماعی سومین نوع حقوق شهروندی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود.

این حقوق شامل:

۱- حمایت‌های مادی و درآمدی مانند تأمین مسکن، تأمین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تأمین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، پیری، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح).

۲- برخورداری از آموزش و پرورش رایگان مانند بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی.

۳- برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی.

۴- حمایت‌های قضائی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه مانند بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی.

در نظام حقوقی ایران، حکم قانون اساسی به ایجاد نظام اداری صحیح و عادلانه است و نیز در اصل سوم قانون مدیریت خدمات کشوری در به‌کارگیری اخلاق اسلامی و اداری برای خدمتگزاری به مردم و حفظ حقوق شهروندی می‌تواند مبنای خوبی برای نهضت اداره مطلوب تلقی شود.

وابستگی و تعلق خاطر شهروندان به حقوق و آزادی‌های خود و مقابله با اعمال فشارهای حکومتی، عاملی مؤثر در پایداری و حفظ حقوق آنها در جامعه می‌باشد. قوانین اساسی کشور ما، به ویژه در اصل ۲۶ قانون اساسی یا به رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت‌ها که ناشی از اوصاف اجتماع‌پذیری انسان‌ها می‌باشد، شهروندان را قادر می‌سازد تا اشخاصی که دارای تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی، اقتصادی... هستند، در کنار یکدیگر قرار گرفته و به عنوان یک توده نیرومند، با حاضر شدن در صحنه‌های مختلف در احقاق حقوق و آزادی‌های خود در محیط سایبر در تلاش تکاپو باشند. همچنین به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی در هنگام بیان مطالبات یا اعتراضات یا دفاع از حقوق خویش با تشکیل نهادهای مدنی و راهپیمایی‌های قانونی به جلب افکار عمومی و رعایت و حفظ حقوق قانونی را به نمایش می‌گذارند (جعفری تبریزی، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۲-۱۱۸).

۵. نقش انقلاب اسلامی در تضمین حقوق شهروندی

وقتی دولت ایران در سال ۱۳۴۷، میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را امضاء کرد و پس از چندی در سال ۱۳۵۴، مجلس شورای ملی، قوانین الحاق دولت ایران به میثاقین یاد شده را به تصویب رساند؛ عملاً حقوق بشر و شهروند وارد واژه‌شناسی حقوقی ما شد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۵۲). در آن زمان کشور و به خصوص نظام حقوقی و سیاسی ما چندان با مفاهیم مربوط حقوق بشر و به خصوص با توجه به هنجارهای پذیرفته شده در جامعه جهانی آشنا نبود. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز، مفهوم حقوق بشر جای خود را در مباحث داخلی و نظام حقوقی و سیاسی ما به حقوق شهروندی داد و بر این اساس حقوق شهروندی تا مدت‌ها به جای مصداق‌های حقوق بشر به کار می‌رفت. تا اینکه از سال ۱۳۸۳، عبارت حقوق شهروندی با حکم مواد ۰۰۱ و ۰۳۱ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم وارد گفتمان رسمی هنجارهای حقوقی ایران شد که در آن دولت و قوه قضائیه موظف به تنظیم و تصویب منشور حقوق شهروندی و لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد شده بودند.

از این رو تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین در گروهی معین بودن صلاحیت‌های هنجارسازی در چارچوب سلسله مراتب هنجارها در نظم حقوقی است؛ چراکه پایبند بودن هنجارهای مادون به هنجارهای مافوق، خود عامل بازدارنده‌ای در مقابل تعهدات، تجاوزها و سوءاستفاده‌های شخصی از حقوق تفویضی مردم است. عدم رعایت سلسله مراتب هنجارهای حقوقی؛ از یک سو، چارچوب‌های نظام حقوقی را به لغزش می‌اندازد و آن را از معنا تهی می‌سازد و از سوی دیگر، بی‌اعتمادی افراد جامعه به نظام سیاسی و حقوقی و در نهایت، ناهنجاری اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (زادعیسی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱).

اگرچه منشور حقوق شهروندی حاوی موادی است که ریشه در قانون اساسی دارند و حتی برخی مواد آن تکراری هستند؛ ولی باز هم یک گام رو به جلو محسوب می‌شود و قابل تقدیر است (داداندیش و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۶۷۲). اصول حقوق شهروندی

ایجاب می‌کند تا نظام اداری بر اساس رعایت حقوق یک شهروند پایه‌گذاری شده و حقوق شهروندی به عنوان رکن اصلی برآورده شدن آرمان‌های یک جامعه، نیاز به توجه قانون‌گذار و گنجاندن آن در نظام اداری کشور دارد (سلیمی، ۱۳۹۶، ص. ۸۲).

۶. ضمانت اجرایی منشور حقوق شهروندی

ضمانت اجرا قسمتی از قدرت عمومی است که به ضرورت عکس‌العمل علیه ناقض قانون جلوه می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص. ۸۵). به عبارتی، ابزاری است که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین می‌کند و از طرف قوای عمومی در جامعه، علیه متخلفان به کار گرفته می‌شود. ضمانت اجرا، وجه امتیاز حقوق از سایر قواعد اجتماعی است و اثری است که در نتیجه مخالفت با قانون دامن‌گیر شخص می‌شود (راسخ، ۱۳۸۸، ص. ۵۲). ضمانت اجرا یکی از ویژگی‌های حقوق است و همین صفت، قاعده حقوقی را از سایر قواعد اجتماعی، مانند اخلاق و مذهب ممتاز می‌سازد (حیاتی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳).

برای درک بهتر ضمانت اجرای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی می‌توان با توجه به اصول تضمینی منشور، در دو بخش ضمانت‌های اجرای پیشگیرانه یا (بازدارنده) و پسینی یا (تعقیبی)، آنها را تقسیم و بررسی نمود. از جمله مهمترین اصول حقوق اداری همانا اصل حاکمیت قانون است و ضمانت اجرای اداری و انتظامی پیشگیرانه بیشتر از طریق حضور مدیران، نظارت‌های ارشادی، آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی به ظهور می‌رسند (رضایی‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۹).

هنگامی که بحث از ضمانت اجرایی می‌شود، منظور آن قسمت از ضمانت‌هایی است که برای مقابله با تخلفات اداری در نظر گرفته شده است. وقتی می‌توان به تضمین منشور حقوق شهروندی در نظام اداری و حقوقی کشور قائل بود که ضمانت اجرایی و اداری آن بر اساس اصول حقوق اداری بیان شده باشد. مهمترین اصول حقوق اداری که به عنوان ضمانت اجرای پیشگیرانه درباره مفاد منشور حقوق شهروندی قابل بیان است، عبارتند از: اصل حاکمیت قانون، اصل تداوم خدمات عمومی و اداری، اصل پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری و اصل نظارت...

۶-۱. اصل حاکمیت قانون

اصل قانونی بودن، از مفاهیم اساسی و ریشه‌ای حقوق عمومی است. در نهضت حقوق اساسی (دستورگرایی) یکی از اهداف اصلی بوده است که قدرت دولت در یک کانال یا چارچوب مشخصی اعمال می‌گردد. در حقوق اداری نیز اصل قانونی بودن بدین مفهوم است که سازمان‌های اداری و مقامات آن باید به ضابطه‌های قانونی احترام بگذارند و اعمال تصمیمات خود را بر بنیاد موازین قانونی اتخاذ کنند و یا انجام دهند. اما این اصل قانونی بودن با رشد دموکراسی در جهان شکل گرفت. در دموکراسی جدید مفهوم دولت قانونی بودن بر اداره پذیرفته شده است (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

بر این اساس، کلیه اعمال حقوقی، چه آنهایی که به صورت عام و به شکل قواعد وضع می‌شوند و چه آنهایی که به صورت خاص و موردی و به صورت احکام صادر می‌شوند؛ باید منطبق بر قانون باشد؛ بنابراین، حاکمیت قانون در چنین فضایی به عنوان مفهومی بنیادین در ادبیات حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود و بدون تردید از اصول مهم در تضمین حقوق شهروندی است (مالمیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۲).

بر اساس اصل حاکمیت قانون، مقامات اداری مکلفند در اقدامات و تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، قوانین و مقررات را رعایت کنند؛ خواه اعمالی که انجام می‌دهند ناظر به شخص یا اشخاص معینی باشد و خواه، ناظر به عموم باشد و چنانچه خلاف قانون عمل شده؛ یا از اختیارات قانونی سوءاستفاده شود؛ افراد می‌توانند با مراجعه به مراجع قضائی صلاحیت‌دار از تخلف و تجاوز دستگاه‌ها جلوگیری کنند (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۳). از آن‌رو می‌توان گفت اصل حاکمیت قانون به عنوان یکی از ضمانت‌اجرائی اداری پیشگیرانه درباره منشور حقوق شهروندی دانست.

بر این اساس، تابع قانون قراردادادن دستگاه‌ها و سازمان‌های عمومی، زاییده افکار آزادی‌طلبی است که حکم می‌کند افراد در مقابل دولت تأمین داشته باشند و مأموران و مقامات اداری نتوانند حقوق و آزادی‌های افراد را تضییع کنند (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۳). منشور حقوق شهروندی، از اصلی‌ترین حقوق شهروندان به حساب می‌آید؛ اصل حاکمیت قانون می‌تواند به عنوان سنگ‌بنای ضمانت‌اجرائی پیشگیرانه اداری برای رعایت این حقوق و آزادی‌های شهروندان توسط سازمان اداری و اعمال اداری به شمار رود.

۶-۲. اصل تداوم خدمات عمومی و اداری

اصول حاکم بر خدمات عمومی به اعتقاد برخی، پایه و اساس حقوق اداری محسوب می‌شوند، هدف خدمات عمومی، تأمین نیازهای همگانی و حفظ منافع عمومی است؛ لذا خدمات عمومی بر اصولی استوار است که، این اصول پایه و اساس حقوق اداری را تشکیل می‌دهند (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۸، ص. ۳۸).

بر اساس این اصل، خدمات عمومی به جهت لزوم و ضرورت پاسخ‌گویی مداوم به نیازهای عمومی تعطیل‌بردار نیست، این اصل تکلیفی را بر مقامات عمومی و اداری بار می‌نماید که، به موجب آن باید تداوم خدمات اداری به نحو مناسبی تضمین گردد (هداوند و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۱). در بیان ویژگی‌ها و نحوه اجرای اصل تداوم خدمات عمومی گفته شده است که خدمات باید به شکل مداوم و بدون هیچ خللی ارائه گردند؛ زیرا این امور و فعالیت‌ها مربوط به عموم جامعه و نیازهای روزمره مردم است. برای مثال بیمارستان‌ها نمی‌توانند از پذیرش بیمار در ساعاتی مانند شب خودداری کنند، زیرا این‌گونه خدمات بایستی به شکل مستمر ارائه گردند (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۱).

هر گونه قطع و وقفه در خدمات عمومی در زندگی مردم موجب ایجاد اضطراب و برهم خوردن نظم و آرامش زندگی مردم جامعه می‌شود، در نهایت موجب بی‌نظمی و هرج‌ومرج در جامعه خواهد بود.

نقض این اصل در حقوق اداری ضامن‌آور است (هداوند و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۱) و ارائه نکردن خدمات عمومی توسط اداره مربوطه تخلف محسوب می‌شود و می‌توان علیه مقامات آن دستگاه به علت ترک فعل و عدم انجام وظیفه تکلیف قانونی، اقدام دعوی کرد (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۲).

مستخدمین دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات عمومی از نقطه نظر انجام خدمات و زمان حضور در محل کار تابع الزامات و محدودیت‌های خاص هستند، مثلاً تمام کارکنان یک دستگاه نمی‌توانند در یک زمان به مرخصی بروند به گونه‌ای که اداره امور آن دستگاه تعطیل شود. به علاوه استعفاء و خروج از خدمت کارکنان این‌گونه دستگاه‌ها تابع تشریفات خاصی است و نباید خروج یک مستخدم خلئی در آن اداره ایجاد کند (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۲).

۶-۳. اصل پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری

پاسخ‌گویی یکی از چالش‌هایی نظام اداری کنونی کشور است که امروزه دولت‌ها بایستی نسبت به روش‌ها و کارهایی که در نظام سیاسی و اداری کشور انجام می‌دهند پاسخ‌گو باشند و لازمه دموکراسی موفق داشتن یک سیستم، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مناسب است. یک نظام سیاسی پویا و کارآمد که بتواند کارویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و در مقابل مشکلات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش‌های مناسب با این چالش‌ها را نشان دهد، نظامی است که تمام اجزای آن به تناسب کامل باشد و از جمله دستگاه‌های اداری آن دولت که در کارایی‌اش بسیار مؤثر است. اهمیت پاسخ‌گویی در هر نظامی به حدی مهم است که موجودیت نظام به آن بستگی دارد؛ زیرا مانع فساد درونی و پوسیدگی و ناکارآمدی حکومت می‌شود.

بسیاری از دانشمندان، وجود یک نظام پاسخ‌گوی پویا و کارآمد را ضرورت انکارناپذیر رشد و توسعه در جهان امروزه می‌دانند. نظامی که به رشد و پیشرفت دست می‌یابد که یک رابطه نظام‌مند پاسخ‌خواهی و پاسخ‌گویی را بین شهروندان و دولت برقرار سازد (هیو، ۱۳۷۷، ص. ۲۸۲).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شامل اصول ۱۹-۴۲ به حقوق ملت توجه شده و آزادی‌های مطبوعات، رسانه‌ها، احزاب سیاسی، انواع تشکل‌های و راهپیمایی‌ها که از راه‌های احقاق حقوق شهروندان به شمار می‌رود به رسمیت شناخته است.

پاسخ‌گویی مقام اداری منتج از اصول کلی حقوق عمومی، مبتنی بر این است که هر گونه اقتدار ناشی از قانون تنها با تصور مسئولیت می‌تواند منجر به تحقق حاکمیت قانون باشد. در غیر این صورت موجبات استبداد قدرت را پدید می‌آورد. مقام دولتی علاوه بر اینکه باید تصمیمات خود را در فضایی شفاف اتخاذ کند، ملزم است تا نسبت به هر گونه عمل خود در صورت تقاضای مردم پاسخ‌گو بوده و آن را مستند و مستدل به فرامین قانونی نماید.

به موجب ماده ۲۷ قانون مدیریت و خدمات کشوری، مسئولین دستگاه‌های اجرایی مسئولیت پاسخ‌گویی به مردم و شکایت آنان را به عهده خواهند داشت. پاسخ‌گویی یکی از مبانی مهم موضوع ماهیت ضمانت اجراهای اداری است. یکی از تخلفات مهم

کارگزاران و کارمندان اداری، عدم پاسخ‌گویی به شهروندان است، که قانون مجازات‌هایی را برای این کارمندان متخلف پیش‌بینی کرده است.

۶-۴. اصل نظارت

نظارت و کنترل، فرایندی است برای کسب اطمینان از اینکه اقدامات و فعالیت‌های جاری سازمان، در جهت اهداف پیش‌بینی شده و مطابق با اقدامات برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود. نیاز به نظارت در نظام‌های سیاسی و اداری فعلی لازم و حیاتی است، در حکومت‌های دموکراتیک هر یک از قوای سه‌گانه دارای اهرم‌های نظارتی درونی و بیرونی هستند.

نظارت و کنترل در سازمان‌های اداری لازم است؛ چون آزادی مطلق موجب هرج‌ومرج می‌شود و چنانچه نظارتی نباشد؛ نه تنها مبادی فساد باز شده و سوءاستفاده‌کنندگان به راحتی و فارغ از چشمان نظارتی به تخلف مبادرت می‌ورزند؛ بلکه بسیار احتمال دارد منافع ملی جامعه را نیز قربانی اهداف شخصی خود نمایند (راسخ، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

اصل نظارت یک ضمانت اجرای حقوقی محکم برای رعایت منشور حقوق شهروندی در نظام اداری کشور ماست.

در هر دو حالت نظارت بیرونی و درونی، کنترل از طریق حلقه‌های بازخور منفی است که سازمان را در حرکت به سوی آینده‌ای مقرر و معین هدایت می‌کند. هر دو شکل ساختاری و آرمانی نظارت بر فرضیه پیوندهای مشخص و نزدیک بین علت و معلول‌ها یعنی عملیات و فعالیت‌های سازمانی و نتایج آن استوار است. هر دو نگرش به حلقه نظارتی یکسان در آینده کوتاه‌مدت و بلندمدت باور دارند و از نظر ادراکی برای نظام نظارت روزمره با نظارت راهبردی تفاوتی قائل نیستند. در این رویکرد، این مدیران به ویژه مدیران راهبردی هستند که نظارت‌های کوتاه و بلندمدت را از طریق مشخص کردن اهداف، قوانین، سلسله مراتب، نگرش‌ها و فرهنگ سازمانی اعمال می‌کنند (عاصمی‌پور، ۱۳۷۶، ص. ۱۰).

در جمهوری اسلامی ایران، واحدهای نظارتی در سطح سه قوه پراکنده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهای متعددی برای نظارت قوه مقننه بر

عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نظام کلان اداری کشور پیش‌بینی شده است. همچنین باید گفت یک‌سری دیگر از ضمانت‌های اجرایی منشور حقوق شهروندی در جامعه پیش‌بینی شده است که توسط نهادهای مختلف از جمله مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی (حقوق شهروندی) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ماده ۱۳ قانون اساسی به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد.

همچنین ماده ۱۴ قانون اساسی در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند.

ماده ۱۵ قانون اساسی، به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد.

ماده ۱۶ قانون اساسی، رئیس جمهوری می‌تواند سالی یک‌بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.

همچنین باید گفت که در سند چشم‌انداز برای اجرای حقوق شهروندی در جامعه، دولت باید یک‌سری اقدامات را انجام دهد تا جامعه را در افق بیست‌ساله به سوی جامعه‌ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی هدایت نماید و با اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی و همچنین حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها حرکت نماید. همچنین در این سند چشم‌انداز برای توسعه و ترویج حقوق شهروندی در جامعه و راهکارهای لازمه این حقوق برای اجرا و همچنین تضمین این حقوق عامه در جامعه برنامه‌ریزی شده است.

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی از حقوق ذاتی و طبیعی انسان‌ها در هر جامعه است، مقوله حقوق شهروندی چه در منابع و قوانین و مقرات داخلی و چه در منابع و قوانین بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حقوق شهروندی در مفهوم جهان امروزی آن تنها به حقوق و منافع شهروندان اختصاص ندارد. حقوق شهروندی، دربردارنده حقوق و تکالیف متعدد دولت‌ها در مقابل مردم است. در کشور ما با پیروزی انقلاب اسلامی منشور حقوق شهروندی توسعه و پیشرفت خوبی داشت. از منظر امام خمینی شرط تشکیل اجتماع متری و متمدن، رعایت و اجرای حقوق شهروندی افراد است. تا زمانی که نیازهای اساسی و اولیه بشر مورد حمایت قرار نگیرند بشر نمی‌تواند به تعالی بیانیدشد. ولی در قانون اساسی ما ضمانت اجرا برای حقوق شهروندی در جامعه پیش‌بینی شده است.

در زمینه حقوق شهروندی باید گفت که این حقوق در سند چشم‌انداز بیست ساله افق ۱۴۰۴ هم پیش‌بینی شده و تدابیر لازم برای اجرای حقوق شهروندی در سطح جامعه اقدامات لازم به عمل خواهد آمد. اگر این منشور حقوق شهروندی در جامعه به خوبی اجرا شود بسیاری از این مشکلاتی که مردم در نظام اداری کشور دارند برطرف خواهد شد. با وجودی که امروزه منشور حقوق شهروندی برای همگان شناخته شده است؛ ولی همچنان در ماهیت و جایگاه این سند در بین سایر اسناد و هنجارهای بالادستی حقوقی در جمهوری اسلامی ایران، اختلاف است. ولی از آنجایی که تکالیف متعددی را برای دولت و مأمورین دولت وضع کرده است؛ ضمانت اجرای اداری و انتظامی برای قواعد درون خود را هم پیش‌بینی کرده است.

این ضمانت اجراها در بعد دو پیشگیرانه یا تعقیبی، به صورت روشن، عواقب عدم اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی را به کارکنان دولت گوشزد کرده و گیرندگان خدمات عمومی را به حقوق خود آگاه می‌سازد. در این راستا، نهادها و سازوکارهای مختلفی از جمله هدایت مدیران اداری، نظارت دفاتر بازرسی و نمایندگان بازرسی کل کشور در ادارات دولتی و حتی با مشارکت ارباب رجوع ادارات در اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی معرفی شده است، که اینها می‌تواند ضمانت اجرای خوبی اجرا حقوق شهروندی در جامعه باشد که منجر به نقض این حقوق نشود و کسانی که در این

ادارات حقوق شهروندی را زیر پای می‌گذارند و این منشور را رعایت نمی‌کنند مجازات‌هایی برای آنها در نظام اداری کشور پیش‌بینی شده است که این مجازات‌ها می‌تواند برای اجرای بهترین حقوق در جامعه مفید و مؤثر باشد.

در پایان باید گفت که با توجه به پیشرفت و توسعه کشور، منشور حقوق شهروندی لازم و جزو نیازهای نظام اداری کشور است تا مردم به حقوق عامه خود آشنا باشند تا منجر به تضعیف حقوق آنها در سطح جامعه نشود و در کنار آن مردم بتواند برای مشکلات خود در سطح نظام اداری راهکارهای لازم برای رفع این مشکلات را بیابند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آذر داد، لادن (۱۳۸۹). جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی. تهران: انتشارات جاردانه.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۷). *دانشنامه سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید.
- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۴). «حقوق شهروندی». *مجله اندیشه*، سال یازدهم، (۵۶)، بهمن و اسفند، صص. ۴۳-۵۳.
- امامی، محمد و استوار سنگری، کورش (۱۳۸۹). *حقوق اداری*. تهران: انتشارات میزان.
- بشریه، حسین (۱۳۸۶). *آموزش دانش سیاسی*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۷). «حقوق شهروندی در سیره نبوی در حقوق ایران». *مجله اندیشه حوزه*، (۷۲)، مهر و آبان، صص. ۸۹-۱۱۸.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۰). *حقوق جهانی و بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. تهران: انتشارات، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *مقدمه عمومی علم حقوق*. تهران: گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق بشر*. قم: اسراء.
- حقیقت، سیدصادق و میرموسوی، سیدعلی (۱۳۸۱). *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حیاتی، عباسعلی (۱۳۹۶). *مقدمه علم حقوق*. تهران: نشر میزان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

داداندیش، پروین؛ امینی احمدآباد، علی و کنعانیان، شهرزاد (۱۳۹۲)، «چالش‌های تدوین منشور حقوق شهروندی در ایران». فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، (۸۶)، پاییز، صص. ۲۵۵-۲۷۸.

دورانت، ویل آرل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. گروه مترجمین، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. راسخ، محمد (۱۳۸۲). «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل». مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۸(۴۱).

راسخ، محمد (۱۳۸۸). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی. تهران: انتشارات دراک.

رضایی‌زاده، محمدجواد (۱۳۸۵). حقوق اداری (۱). تهران: نشر میزان.

زادعیسی، زهرا (۱۳۸۸). سلسله مراتب هنجارهای در نظم حقوقی ایران. (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد). رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

سلیمی، علی (۱۳۹۶). «بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران». مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ۳(۲۷)، اسفند، صص. ۳۸-۷۶.

شیروانی، رضا (۱۳۸۸). جزوه حقوق بشر در اسلام. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۱). حقوق اداری. تهران: نشر سمت.

عاصمی‌پور، محمدجواد (۱۳۷۶). نظارت از دیدگاه نظری و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های نظارتی جمهوری اسلامی. مجموعه مقالات نخستین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، تهران.

عبدالمقصود، عبدالفتاح (۱۳۶۲). امام علی (علیه‌السلام) تحلیلی قرن اول اسلام. ترجمه سید محمود طالقانی. تهران: انتشارات طلوع خورشید.

علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸). «پلیس و آموزش حقوق شهروندی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، ۸(۲)، صص. ۴۷-۷۱.

عمید، حسین (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیر کبیر.

فالکس، کیت (۱۳۸۱). شهروندی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

فلاح‌زاده، علی‌محمد (۱۳۸۶). «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر». مجله حقوقی دادگستری، تهران: اداره مطالعات و پژوهش ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، (۵۸)، صص.

۷۴-۴۶.

قراملکی، محمدحسین (۱۳۸۱). حقوق متقابل مردم و حکومت. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

کامیار، غلامرضا (۱۳۸۲). حقوق شهروندی. تهران: انتشارات مجد.
مالگیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۰). حقوق بشر در پرتوی تحولات بین‌المللی. تهران: نشر دادگستر.
منصوری، سیدمهدی (۱۳۸۰). حقوق و مبانی و فلسفه آن. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

نش، کیت (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات نی.

نوروزی، فضاله و گل‌پور، منا (۱۳۸۹). «بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر آن». فصلنامه راهبرد، سال بیستم، (۵۹)، صص. ۱۶۷-۱۹۰.
هداوند، مهدی و مشهدی، علی (۱۳۸۸). اصول حقوق اداری (در پرتو آرای دیوان عدالت اداری). تهران: انتشارات خرسندی.

هیوز، آون (۱۳۷۷). مدیریت دولتی نوین. سیده‌مهدی الوانی و دیگران. تهران: انتشارات مروارید.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی